

آیا زیارت قبور شرک و حرام است؟

کتاب علی باقر شیخانی

مقدمه

زیارت قبور انبیاء و اولیاء به ویژه قبور رسول خدا ﷺ و اهل بیت ایشان  از دستوره‌های اکید شرعی است که مسلمانان از صدر اسلام، همواره به آن پایبند بودند. وهابیت به پیروی از «ابن تیمیه» برای عادی جلوه دادن مقامات انبیاء و اولیاء و کاستن از مقام آنان، زیارت قبور، حتی قبور پیامبران و اولیاء را شرک و حرام می‌دانند. تا قرن هشتم هجری، شکی در جواز زیارت قبور وجود نداشت و اندیشمندانی از اهل سنت، کتاب‌های متعددی در این باره نوشتند؛ از جمله، «عبدالرحمن بن مکی شارعی» (م ۶۱۵ هـ. ق) کتاب «مرشد الزوار الی قبور الابرار المسمی بالدر المنظم فی زیارة الجبل المقطم» و «ابن عساکر دمشقی» (۵۲۷-۶۰۰ هـ. ق) دو کتاب «فضل زیارة الخلیل  و موضع قبره و قبور ابناءه الکرام» و «إتحاف الزائر و أطراف المقیم للسنائر فی زیارة النبی صلی الله علیه و سلم». در قرن هشتم هجری «ابن تیمیه حرانی حنبلی» بر خلاف دیدگاه سلف خویش، حتی بار سفر بستن برای زیارت قبر نبی گرامی اسلام را جایز ندانست. برعکس، اندیشمندان اسلامی با این اندیشه انحرافی از عصر ابن تیمیه تاکنون به مبارزه پرداختند و ده‌ها کتاب در رد وی نوشتند؛ کتاب‌هایی مانند:

۱. شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام، علی بن عبدالکافی سبکی شافعی (۷۵۶-۶۸۳ ه.ق).
 ۲. العمل المقبول فی زیارة الرسول، ابن زملکانی (۶۶۷-۷۲۷ ه.ق)
 ۳. المقالة المرضیة فی الرد علی من ینکر زیارة المحمدیة، محمد بن عیسی الاخنائی (م ۷۳۱ ه.ق).
 ۴. التحفة المختارة فی الرد علی منکر زیارة، عمر بن علی الفاکهانی (۶۵۳-۷۳۱).
 ۵. الرسالة المحمدیة فی الرد علی من ینکر زیارة المحمدیة، محمد بن محمد سعدی مالکی (۸۳۶-۹۰۰ ه.ق).
 ۶. حسن التوسل فی آداب زیارة أفضل الرسل، عبدالقادر بن احمد فاکهی (۹۲۰-۹۸۲ ه.ق).
 ۷. شفاء الصدور فی زیارة المشاهد والقبور، مرعی بن یوسف الکریمی (م ۱۰۳۳ ه.ق).
 ۸. الدررة الثمینیة فیما لزائر النبی صلی الله علیه وسلم إلى المدینة المنورة، احمد بن محمد دجانی قشاشی (م ۱۰۷۱ ه.ق).
 ۹. الجوهر المنظم فی زیارة القبر الشریف النبوی المکرم، ابن حجر هیتمی.
 ۱۰. خیر الامور فی زیارة القبور، مصطفی بن مصطفی صاریان حنبلی رومی (م ۱۳۰۰ ه.ق).
 ۱۱. کنز المطالب فی فضل البیت الحرام و فی الحجر والشاذروان وما فی زیارة القبر الشریف من المأرب، حسن العدوی (۱۲۲۱-۱۳۰۳ ه.ق).
 ۱۲. شفاء الفؤاد بزیارة خیر العباد، محمد بن علوی مالکی.
- آشنایی با اسامی نوشته‌های عالمان اهل سنت، در رد این تفکر، گویای بی‌پایه بودن این نگاه است، اما آنچه به اختصار می‌آید، نقد و بررسی ادعاها و دلایل وهابیت است.

ادعای وهابیان

وهابیان براساس فتوای ابن تیمیه، هرگونه مسافرت به قصد زیارت قبور انبیاء و صالحان و نذرکردن، سوگندخوردن و بوسیدن و مسح کردن مزار آنان را حرام و شرک می‌دانند. طبق نظر ابن تیمیه، پیامبران و اولیای الهی، پس از مرگ، کوچک‌ترین تفاوتی با افراد عادی ندارند. به گفته وی: «لَيْسَ فِي وَجُودِ الْقُبُورِ أَمَانٌ»؛ «قبرها نمی‌تواند پناهی برای امت باشد».^۱ به نظر ابن تیمیه، زیارت قبور، چه قبر پیامبر و چه غیر ایشان، شرک و حرام است.^۲ مأموران امر به معروف عربستان، با بهره‌گیری از همین عقیده، اطراف قبر مطهر نبوی ﷺ و قبور ائمه بقیع عليهم السلام حضور دارند و نمی‌گذارند کسی آنجا بایستد یا به قبر رسول خدا ﷺ و اهل بیت عليهم السلام نزدیک شود.

دلیل وهابیت

دو دلیل مهم وهابیان بر حرمت زیارت قبور، از این قرار است؛

۱. روایتی که «ابوهریره» از رسول خدا ﷺ نقل کرده است: «بار سفر بستن جایز نیست، مگر به سوی سه مسجد: مسجدالنبی، مسجدالحرام، و مسجدالاقصی».^۳
۲. ادعای مخالفت با اجماع؛ ابن تیمیه می‌گوید: «هرکس سفرش را به قصد زیارت قبر رسول اکرم ﷺ انجام دهد، مثل کسانی که به قصد زیارت قبور پیشوایانشان در مدینه و مساجدی که اطراف آن است، سفر می‌کنند، با اجماع مسلمانان، مخالفت کرده و از شریعت پیامبر اکرم ﷺ خارج شده است».^۴

۱. الرد علی الاخنایی، ابن تیمیه، ص ۵۴.

۲. همان، ص ۵۲.

۳. کتاب الحج، باب سفر المراه مع محرم الی حج، صحیح مسلم، ص ۶۲۸، ح ۳۱۵۱.

۴. همان ص ۱۸.

پاسخ

یکی از اشکالات اساسی بر صاحبان این نگاه، آن است که فهم خود را از دین، معیار توحید و شرک دیگران می‌دانند؛ فهمی که بسا با بدفهمی یا اشتباه همراه باشد یا بر فرض درست بودن، مخصوص خود و پیروان آنهاست و حق ندارند نظر خود را به پیروان مذاهب دیگر تحمیل کنند، به خصوص که قرآن و سنت مخالف آنان است و پیشوایان سایر مذاهب رأی و فتوای دیگری دارند؛ از این رو، لازم است به نقد و بررسی دلیل آنان از منظر سایر مذاهب، توجه شود.

نقد و بررسی دلیل اول

رسول خدا ﷺ فرموده است که بار سفر نیندید، مگر به سوی سه مسجد؛ مسجدالنبی، مسجدالحرام و مسجدالاقصی. بنابراین، ادعا می‌کنند که سفر برای زیارت قبر پیامبر، جایز نیست. در این حدیث دو احتمال است. اول اینکه مستثمانه «مسجد من المساجد» باشد؛ یعنی بار سفر بستن، معقول نیست، مگر برای سه مسجد. در این صورت، روایت دلیل بر حرمت بار سفر بستن برای زیارت قبر انبیاء و اولیاء نخواهد بود؛ زیرا قبر پیامبر ﷺ، مسجد نیست تا بار سفر بستن برای زیارت آن، حرام باشد؛ چه آنکه، زائران به مدینه سفر می‌کنند، تا قبر پیامبر ﷺ را زیارت کنند. همچنان‌که غزالی می‌گوید:

حدیث درباره مساجد می‌گوید و مشاهده به معنای مسجد نیست؛ زیرا مسجدها پس از این سه، در فضیلت برابرند و در هر شهری مسجدی وجود دارد (و هیچ رجحان عقلی بین آنها وجود ندارد تا کسی برای دیدن آنها بار سفر ببندد)، اما برکت زیارت مشاهده (انبیاء و علما و اولیاء) به حسب درجات آنها در نزد خدا، تفاوت زیادی دارد.^۱

۱. «و الحدیث إنها ورد في المساجد. و ليس في معناها المشاهد، لأن المساجد بعد المساجد الثلاثة متماثلة، و لا بلد إلا و فيه مسجد فلا معنى للرحلة إلى مسجد آخر و أما المشاهد فلا تتساوى، بل بركة زيارتها على قدر درجاتهم عند الله عزوجل»؛ احیاء العلوم، غزالی، ج ۲، ص ۲۴۷.

دوم اینکه گفته شود: مستثانه، «مکان» است و مراد روایت آن است که جز برای دیدن سه مسجد، بار سفر بستن به هیچ مکانی جایز نیست. طبق این برداشت، هر سفری، حرام است، اگرچه به قصد زیارت نباشد.

از این دو احتمال، احتمال اول، پذیرفتنی است؛ زیرا بنابر احتمال دوم، فرد مسلمان هیچ‌گاه نباید سفر کند، نه برای تحصیل و تجارت و زیارت، بلکه سفر، فقط برای دیدن سه مسجد، مجاز است.

از این رو، برداشت وهابیان از روایت، مخدوش و باطل است. افزون بر اینکه، بنابر روایاتی که خواهد آمد، سفر برای زیارت قبر پیامبر ﷺ سفارش خود آن حضرت است.

نقد و بررسی دلیل دوم

بیان شد که ابن تیمیه و پیروان او، حرکت به قصد زیارت (قبر رسول خدا ﷺ و پیشوایان) را خلاف اجماع می‌دانند. این مدعا به دور از حقیقت است و اندیشمندان اسلامی سایر مذاهب، حتی فقهای حنبلی، قصد زیارت رسول خدا ﷺ و مشاهد دیگر را مستحب می‌دانند. در اینجا لازم است در دو مقام بحث شود. مقام اول، در جواز زیارت قبور به طور عموم و مقام دوم، در استحباب زیارت قبر نبی مکرم اسلام ﷺ.

مقام اول: زیارت قبور

دلیل بر بدعت بودن عمل، آن است که در قرآن یا سنت از آن سخن نرفته باشد، حال آنکه جواز زیارت قبور، در قرآن و روایات آمده است.

زیارت قبور در قرآن

خداوند در قرآن خطاب به رسولش می‌فرماید:

﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَّتَّ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ

فَاسِقُونَ﴾؛ (توبه: ۸۴)

هرگز بر مرده هیچ‌یک از آنان (منافقان) نماز مگزار و بر قبر آنان (برای
آمزش خواهی) نیست. آنان به خدا و پیامبر او کفر ورزیده و درحالی که فاسق و
بدکارند، مرده‌اند.

در این آیه، خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد که هرگز بر جنازه منافقان، نماز
نگذارد و بر قبر آنان نایستد. مفهوم آیه آن است که این توقف بر قبر غیر منافق
(مؤمنان) خوب و شایسته است. همان‌طور که در سیره پیامبر آمده است، آن حضرت بر
سر قبور مؤمنان حاضر می‌شد و به آنان سلام می‌کرد.

زیارت قبور در روایات

در روایات و سنت رسول خدا ﷺ، زیارت قبور به اثبات رسیده است.
ابوهریره می‌گوید: «زار النبي قبر أمه فبکی و أبکی من حوله ثم قال فزوروا القبور فإنها تذكرو
الموت»؛ «پیامبر، قبر مادر خود را زیارت کرد و کنار قبر او گریست و کسانی را که دور او
بودند، گریاند و فرمود: قبرها را زیارت کنید، زیرا زیارت آنها مایه یادآوری مرگ است».
عایشه، ام المؤمنین، هم می‌گوید:

پیامبر ﷺ، زیارت قبور را به من یاد داد و گفت: پروردگرم دستور داد که به بقیع
بیایم و برای آنها آمزش بخواهم. گفتم: یا رسول الله، من چه بگویم؟ فرمود: بگو
سلام بر اهل این دیار از مؤمنان و مسلمانان، خدا، گذشتگان از ما و بازماندگان از ما
را رحمت کند! ما به زودی به شما می‌پیوندیم.^۲

مسلم از عایشه نقل می‌کند: پیامبر اکرم ﷺ، آخر شب به طرف بقیع می‌رفت و بر اهل
بقیع این گونه سلام می‌کرد: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ».^۳

۱. کتاب الجنائز، صحیح مسلم، باب ۳۶، ص ۴۴۳، ح ۲۱۴۸.

۲. همان، ح ۲۱۴۵.

۳. همان، ح ۲۱۴۴.

طلحة بن عبیدالله می گوید:

ما با رسول خدا ﷺ از مدینه برای زیارت قبر شهیدان خارج شدیم. همین که به منطقه «حرّه واقم» رسیدیم، قبرهایی را دیدیم. پس عرض کردیم: ای رسول خدا! آیا این قبرهای برادران ما است؟ فرمود: این قبرهای اصحاب ما است و هنگامی که به قبرهای شهیدان رسیدیم، فرمود: این قبرهای برادران ما است.^۱

صنعانی نقل می کند:

پیامبر اکرم ﷺ ابتدای هر سال به زیارت قبر شهیدان آمد و به آنان این گونه سلام می کرد: ﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ﴾ (رعد: ۲۴)؛ سلام بر شما به جهت صبری که کردید و سرای آخرت چه نیکوست. پس از او ابوبکر، عمر و عثمان نیز چنین می کردند.^۲

آن حضرت نه تنها در عمل و رفتار، زیارت قبور را جایز می دانستند، بلکه در چندین روایت، به زیارت قبور، تشویق کردند. «مسلم» در صحیحش نقل می کند که پیامبر ﷺ فرمود: «من شما را از زیارت قبور بر حذر داشته بودم، اما پس از این به زیارت آنان بروید».^۳

عایشه، ام المؤمنین می گوید: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ رَخَّصَ فِي زِيَارَةِ الْقُبُورِ»؛ «رسول خدا ﷺ برای زیارت قبور اجازه داد».

به همین جهت، صحابه و تابعین رخصت داشتند که به زیارت قبور بروند.

۱. سنن ابی داوود، کتاب المناسک، باب زیاره القبور، سلیمان بن اشعث سجستانی، ص ۳۷۸، ح ۲۰۴۳.

۲. مصنف، عبدالرزاق صنعانی، ج ۳، ص ۵۷۴.

۳. صحیح مسلم، کتاب الجنائز، باب ۳۶، ح ۲۱۴۹.

۴. سنن ابن ماجه، کتاب الجنائز، محمد بن یزید بن ماجه قزوینی، ج ۱، باب ما جاء فی زیاره القبور، ص ۵۰۰، ح ۱۵۷۰.

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «فاطمه علیها السلام، دختر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، هر جمعه به زیارت قبر عمومی خود، حمزه می‌رفت و کنار قبر او نماز می‌خواند و گریه می‌کرد».^۱

محب‌الدین طبری می‌نویسد:

عمر بن خطاب، با عده‌ای از اصحابش به حج رفت. در بین راه، پیرمردی به او استغاثه کرد. پس از بازگشت به آن محل، از احوال آن پیرمرد پرسید. گفتند از دار دنیا رفته است. راوی می‌گوید: عمر را دیدم که با سرعت به طرف قبر او آمد و در آنجا نماز خواند، سپس قبر را در بغل گرفت و گریه کرد.^۲

مذاهب اسلامی و زیارت قبور

فقهای اهل سنت برخلاف وهابیان، زیارت قبور را جایز و فلسفه این عمل را بی‌اعتنایی به دنیا و یادکردن از آخرت می‌دانند.

«سمهودی» و «سبکی شافعی» می‌گویند: «علما بر استحباب زیارت قبور، برای مردان، اجماع کرده‌اند و برخی همچون ظاهریه می‌گویند واجب است».^۳

«بکری دمیاطی» از فقهای شافعی می‌گوید:

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است، کسی نیست که از کنار قبری که صاحب آن را در گذشته می‌شناخت، عبور و بر صاحب آن، سلام کند، جز اینکه صاحب قبر نیز او را شناخته، پاسخ سلام وی را خواهد داد.

وی پس از نقل روایت می‌گوید: «استحباب زیارت قبور خویشاوندان، به ویژه پدر و مادر تأکید شده است».^۴ شیخ منصور علی ناصف مصری، می‌گوید: «نزد جمهور

۱. المستدرک، حاکم نیشابوری، ج ۱، ص ۳۷۷؛ السنن الکبری، بیهقی، ج ۴، ص ۷۸.

۲. الریاض النضرة، محب‌الدین طبری، ج ۲، ص ۳۸۷.

۳. وفاء الوفاء، علی بن عبدالله سمهودی، ج ۴، ص ۱۸۶؛ شفاء السقام، تقی‌الدین سبکی، ص ۱۸.

۴. نک: اعانة الطالبین، سید بکری دمیاطی، ص ۱۶۱.

اهل سنت، زیارت قبور، مستحب است و نزد ابن حزم، یکبار در عمر، زیارت قبور واجب است.^۱ حاکم نیشابوری می گوید: «زیارت قبور، مستحب است». ^۲ فقیه برجسته حنفی، ابن عابدین، درباره زیارت قبر مؤمنان می گوید:

اشکالی در زیارت قبور نیست، بلکه مستحب است ... و باید در هر هفته زیارت نمایند، اما بهتر آن است که در روز جمعه، شنبه و دوشنبه و پنجشنبه باشد؛ زیرا محمد بن واسع می گوید: مردگان، به زوار خود، در روز جمعه و روز قبل و بعدش، آگاهی دارند. پس روز جمعه بهتر است و همچنین در این روز مستحب است که به زیارت قبر شهدای احد برود؛ چون که «ابن ابی شیبه» روایت کرده است که پیامبر سر هر سال به زیارت قبور شهدای احد می آمد و می گفت: «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» (رعد: ۲۴). ابن عابدین در ادامه، سخن «غزالی» و «ابن حجر» را، در جواز بار سفر بستن برای زیارت قبور شهدا و صلحا، می آورد.^۳

«محبی الدین نووی شافعی»، درباره زیارت قبور شهدا و اولیای مدفون در مدینه می گوید:

مستحب است که هر روز به ویژه روز جمعه بعد از سلام بر رسول خدا ﷺ، به سوی بقیع رود و هنگامی که به آن رسید به آنچه در کتاب جنائز در زیارت قبور گفتیم، دعا کند. مثلاً بگوید: سلام بر شما ای مؤمنان! ما نیز إن شاء الله به شما می پیوندیم. خداوندا! اهل «بقیع غرقه» را بیامرز، خداوندا! آنان و ما را ببخشای و قبر پاک ابراهیم بن رسول الله ﷺ، عثمان و عباس و حسن بن علی و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و... را زیارت نموده، به قبر «صفیه» عمه رسول الله ﷺ ختم

۱. التاج الجامع للاصول، منصور علی ناصف، ج ۱ ص ۳۸۱.

۲. المستدرک، ج ۱، ص ۳۷۷.

۳. رد المحتار علی رد المختار، حاشیه ابن عابدین، ج ۲، ص ۲۶۲.

نماید. همچنین مستحب است قبور «شهادی احد» را زیارت کند که افضل آن است، روز پنج‌شنبه باشد و از قبر حمزه شروع نماید.^۱

مقام دوم: زیارت قبر پیامبر ﷺ

براساس «کتاب و سنت» زیارت قبور مؤمنان، به‌ویژه زیارت قبر پیامبر ﷺ، نه تنها شرک و حرام نیست، بلکه سنت مستحبی است که همواره مسلمانان به آن پایبند بوده‌اند و بر اساس نظر فقهای مذاهب اسلامی بر زائر بیت‌الله الحرام، لازم است پیش و یا پس از انجام دادن فرائض حج، به زیارت قبر شریف آن حضرت بشتابد و از نزدیک عرض ارادت بنماید؛ زیرا اهل بیت ﷺ و صحابه، همیشه به زیارت قبر مطهر آن حضرت می‌شتافتند. نخستین کسی که مردم را از زیارت قبر آن حضرت باز داشت، «مروان بن حکم» بود. حاکم نیشابوری (وفات ۴۰۵ ه. ق) در «المستدرک» از «داود بن ابوصالح» نقل می‌کند:

روزی، مروان بن حکم، شخصی را دید که صورت خود را بر قبر پیامبر اکرم ﷺ گذاشته است. با شتاب به سوی او آمد و گردن او را گرفت و از جای بلند کرد و گفت: می‌دانی چه می‌کنی؟ منظور وی این بود که چرا به زیارت سنگ و کلوخ آمده‌ای؟ زائر، «بویوب انصاری» از صحابه پیامبر اکرم ﷺ بود. او گفت: آری، خوب می‌دانم چه می‌کنم. من هرگز به زیارت سنگ نیامدم، بلکه به زیارت پیامبر ﷺ آمدم. آنگاه گفت: از

۱. يستحب أن يخرج كل يوم إلى البقيع خصوصاً يوم الجمعة ويكون ذلك بعد السلام على رسول الله صلى الله عليه وسلم فإذا وصله دعا بما سبق في كتاب الجنائز في زيارة القبور ومنه السلام عليكم دار قوم مؤمنين وأنا إن شاء الله بكم لاحقون اللهم اغفر لأهل العرقد اللهم اغفر لنا ولهم ويزور القبور الطاهرة في البقيع كقبر إبراهيم بن رسول الله صلى الله عليه وسلم وعثمان والعباس والحسن بن علي وعلي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وغيرهم رضي الله عنهم ويختم بقبر صفيية عمه رسول الله صلى الله عليه وسلم ورضي عنها (فرع) ويستحب أن يزور قبور الشهداء بأحد وأفضله يوم الخميس ويبدأ بالحمزة: المجموع، محيي الدين النووي، ج ۸، ص ۲۷۶.

رسول خدا ﷺ شنیدم، فرمود: بر دین خدا، گریه نکنید، اگر متولیان اهل بودند و آنگاه که ناهلان بر آن حکم راندند، برایش بگریید.^۱

«حاکم نیشابوری» پس از نقل حدیث، می گوید که این حدیث صحیح است. این در حالی است که ابن تیمیه و وهابیان، با پیروی از امویان، مسلمانان را از زیارت قبر آن حضرت، بازمی دارند.

زیارت قبر پیامبر در قرآن

اگر بر اساس روایات و فتوای علمای اهل سنت، زیارت قبور صالحان، مستحب باشد، زیارت قبر پیامبر ﷺ و اهل بیت او علیهم السلام به طریق اولی مستحب خواهد بود؛ چون بخشش و غفران الهی را به همراه دارد. خداوند می فرماید: ﴿لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾؛ «و اگر هنگامی که آنان بر خود (با گناه) ستم کردند، از کردار خود به خدا توبه و به تو رجوع می کردند که بر آنها اسغفار کنی، البته در این حال، خدای را توبه پذیر و مهربان می یافتند.» (نساء: ۶۴)

سبکی شافعی، در شفاء السقام می گوید: «دانشمندان اسلامی از این آیه معنای عموم را فهمیده و آن را هم شامل دوران زندگی و هم پس از مرگ پیامبر دانسته اند. برخی نیز گفته اند مستحب است این آیه کنار قبر آن حضرت تلاوت شود».^۲ وی همچنین می گوید: «آیه، هر چند مربوط به زمان حیات پیامبر است، ولی این رتبه و مقامی است که با موت حضرت قطع نمی شود».^۳

۱. المستدرک، ج ۴، ص ۵۱۵؛ مسند، احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۴۲۲.

۲. شفاء السقام، ص ۱۸۳.

۳. همان، ص ۱۸۱.

زیارت قبر پیامبر ﷺ در روایات

درباره زیارت قبر رسول خدا ﷺ روایات متعددی از آن حضرت نقل شده است که بر اساس آن فقهای مذاهب حکم به استحباب زیارت داده‌اند که تنها به سه روایت که فقهای حنبلی برای استحباب زیارت به آن تمسک نمودند، بسنده می‌شود:

- قال رسول الله ﷺ «من حج فزار قبري بعد وفاتي فكأنها زارني في حياتي»^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که حج نماید و قبرم را پس از وفاتم زیارت نماید همانند آن است که در زمان حیاتم به زیارتم آمده است.

- عن رسول الله ﷺ «من زار قبري وجبت له شفاعتي»^۲

رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که قبرم را زیارت نماید شفاعت نمودن از او بر من واجب می‌گردد.

- عن أبي هريرة أن رسول الله ﷺ قال «ممن أحد يسلم عليّ عند قبري إلا رد الله عليّ روعي حتى أوردني الجنة»^۳

رسول خدا ﷺ فرمود: کسی نیست که در کنار قبرم بر من سلام نماید، مگر آنکه خداوند روحم را به من باز می‌گرداند تا سلامش را پاسخ گویم.

صحابه و زیارت قبر پیامبر ﷺ

صحابه نیز همچون همه مسلمانان همواره به زیارت قبر آن حضرت می‌شتافتند. سمهودی درباره زیارت فاطمه دختر پیامبر ﷺ می‌گوید: «فاطمه زهرا عليها السلام از تربت قبر

۱. الشرح الكبير، عبدالرحمان بن قدامه، ج ۳؛ المغنی، عبدالله بن قدامه، ج ۳، ص ۵۹۰؛ كشف القناع، منصور بن

یونس بهوتی حنبلی، ج ۲، ص ۵۹۸.

۲. الشرح الكبير، ج ۳، ص ۴۹۴؛ المغنی، ج ۳، ص ۵۹۰؛ كشف القناع، ج ۲، ص ۵۹۸.

۳. همان، ج ۵، ص ۳۶.

پیامبر اکرم ﷺ برداشت و بر چشمانش گذاشت و چند بیت شعر سرود.^۱ ابن حجر عسقلانی، از عالمان برجسته اهل سنت می‌گوید: «در زمان خلافت خلیفه دوم، مردم گرفتار خشک‌سالی شدند. شخصی از اصحاب به قبر پیامبر اکرم ﷺ متوسل شد و گفت: «یا رسول الله! اِسْتَسْقِ لِأُمَّتِكَ فَإِنَّهُمْ قَدْ هَلَكُوا».^۲ در روایتی دیگر درباره بلال حبشی آمده است:

بلال پس از وفات رسول خدا ﷺ به شام هجرت کرد. شبی از شب‌ها رسول خدا ﷺ را در خواب دید که به او فرمود: ای بلال! این چه جفایی است که در حق ما کردی؟ آیا وقتش نشده است که به زیارت ما بیایی؟ بلال سراسیمه از خواب بیدار شد و سوار مرکب شد و به مدینه رسید و مستقیم بر قبر رسول خدا ﷺ آمد. سپس گریست و صورت خود را به قبر مبارک مالید.^۳

در جایی دیگر آمده است که بلال حبشی خود را روی قبر شریف پیامبر اکرم ﷺ انداخت و بدن خود را به قبر می‌سایید.^۴

درباره عبدالله بن عمر نیز نوشته‌اند که وی هرگاه از سفری باز می‌گشت، نزد قبر پیامبر ﷺ می‌آمد و به آن حضرت سلام می‌کرد. نافع بن هلال می‌گوید: بیش از صد بار دیدم که عبدالله بن عمر به زیارت قبر پیامبر می‌آمد و می‌گفت: «السلام علی النبی».^۵ همچنین آمده است که محمد بن حنفیه، پس از شهادت برادرش، امام حسین ع بر

۱. وفاء الوفا، سمهودی، ج ۴، ص ۱۳۴۰.

۲. فتح الباری، عسقلانی، ج ۲، ص ۴۱۲.

۳. تاریخ دمشق، ابن عساکر، ج ۷، ص ۱۳۷؛ اسد الغابه، ابن اثیر، ج ۱، ص ۲۰۸؛ سیر اعلام النبلاء، ذهبی، ج ۱، ص ۳۵۸.

۴. تاریخ الخمیس، ج ۲، ص ۱۷۳.

۵. وفاء الوفا، ج ۴، ص ۱۳۴۰.

سر قبر آن حضرت آمد، پس بغض گلوی او را گرفت. آنگاه به سخن در آمد و آن حضرت را ستود.^۱

عالمان اسلامی و زیارت قبر پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام

محمد بن حرب هلالی می‌گوید:

وارد مدینه شدم و به زیارت قبر پیامبر رفتم و آن را زیارت کردم و در برابر قبر شریف نشستم. در این هنگام عربی آمد و گفت: سلام بر تو ای رسول خدا. شنیده‌ام خداوند فرموده است که اگر آنان وقتی بر نفس خویش ستم کردند، به حضور تو برسند و توبه کنند و رسول خدا درباره آنان آمرزش بخواهد، خدا را تواب و رحیم می‌یابند. اینک با پشیمانی و استغفار از گناه خویش آمدم تا این بنده گناهکار را در پیشگاه خداوند شفاعت کنی، سپس گریه کرد و اشعاری را سرود و استغفار کرد.^۲

«ابوخلال»^۳، شیخ حنبله در عصر خود نیز می‌گوید: «هیچ مشکلی برایم پیدا نمی‌شد، مگر آنکه قصد زیارت قبر موسی بن جعفر علیه‌السلام را می‌کردم و در آنجا به حضرت متوسل می‌شدم و خداوند نیز مشکلم را رفع می‌کرد».^۴

۱. العقد الفرید، ابن عبدربه، احمد بن محمد، ج ۳، ص ۱۹۶.

۲. الشرح الكبير، عبدالرحمان بن قدامه حنبلی، ج ۳، ص ۴۹۴؛ المغنی، عبدالله بن قدامه حنبلی، ج ۳، ص ۵۹۰؛ احمد بن محمد قسطلانی، المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیة، ج ۳، ص ۵۹۷؛ الشرح الكبير، عبدالرحمان بن قدامه مقدسی حنبلی، ج ۳، ص ۴۹۴.

۳. شمس الدین ذهبی درباره‌اش می‌گوید: الإمام العلامة الحافظ الفقیه، شیخ الحنابلة وعالمهم، أبو بکر، أحمد بن محمد بن هارون ابن یزید البغدادي الخلال. ولد في سنة أربع وثلاثين ومئتين، أو في التي تليها، فيجوز أن يكون رأي الإمام أحمد، ولكنه أخذ الفقه عن خلق كثير من أصحابه، وتلمذ لأبي بكر المروزي و...؛ سير اعلام النبلاء، ج ۱۴، ص ۲۹۷.

۴. تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۲۰.

«ابن حبان» (متوفی ۳۵۰ ه. ق) در کتاب «الثقات» می نویسد:

بارها به زیارت قبر علی بن موسی الرضا علیه السلام رفتم. در مدتی که در طوس بودم، هر وقت مشکلی بر من عارض می شد، به زیارت قبر آن حضرت می رفتم و از خداوند می خواستم که مشکلم را برطرف کند و الحمد لله مشکلم برطرف می شد. این معنا را مکرر امتحان کردم و نتیجه گرفتم.^۱

در احوالات «ابن خزیمه» آمده است که وی چنان در برابر بارگاه علی بن موسی الرضا علیه السلام در طوس، تعظیم و تواضع کرد که همه همراهان وی تعجب کردند.^۲

مذاهب اسلامی و زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله

عالمان مذاهب اسلامی نه تنها زیارت قبر پیامبر را شرک و بدعت نمی دانند بلکه آن را مستحب می شمرند و فقهای همانند «نووی شافعی» در «المجموع»^۳ و «عبدالله بن قدامه حنبلی» در «المغنی»^۴ و «عبدالرحمان بن قدامه مقدسی حنبلی» در «شرح الکبیر»^۵ و «دمیاطی» در «اعانة الطالبین»^۶ و «بهوتی» در «کشاف القناع»^۷ و... زیارت نامه مفصلی بیان کرده اند و همچون سبکی شافعی یکی از آداب زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله را تلاوت آیه شصت و چهار سوره نساء هنگام زیارت دانسته اند؛ یعنی برخلاف وهابیان، زیارت و طلب استغفار از آن حضرت را مختص زمان حیات

۱. کتاب الثقات، ج ۸، ص ۴۵۶.

۲. تهذیب التهذیب، یوسف حافظ مزی، ج ۷، ص ۳۳۹؛ تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ج ۱، ص ۱۲۰.

۳. المجموع، ج ۸، ص ۲۷۴.

۴. المغنی، ج ۳، ص ۵۹۰.

۵. شرح الکبیر، ج ۳، ص ۴۹۵.

۶. اعانة الطالبین، ج ۱، ص ۲۹۸؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۵۹۹.

۷. کشف القناع، ج ۲، ص ۵۹۹.

ظاهری رسول خدا ﷺ ندانسته‌اند.

غزالی شافعی در آداب زیارت گفته است:

پیامبر ﷺ فرمود: من زارني بعد وفاتي فكأنما زارني في حياتي؛ هر که پس از وفات من مرا زیارت کند، همچنان است که در حیات من مرا زیارت کرده است و فرمود: مَنْ وَجَدَ سَعَةً وَ لَمْ يُزِرْنِي فَقَدْ جَفَانِي؛ هر که را امکان باشد و مرا زیارت نکند، در حق من جفا کرده است و گفت: مَنْ جَاءَنِي زَائِرًا لَا يَهْمُهُ إِلَّا زِيَارَتِي كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ أَكُونَ لَهُ شَفِيعًا؛ هر که به زیارت من آید و مقصودی جز زیارت نداشته باشد حق وی بر خدا ثابت شود که مرا شفیع وی گرداند.

پس هر که قصد مدینه کند، برای زیارت، باید که در راه، درود بسیار بگوید و پیش از رفتن از «چاه حرّه» غسل کند و خود را خوشبو سازد و پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را بپوشد و با تواضع و تعظیم راه رود و بگوید: بسم الله و علی ملّة رسول الله، رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مَخْرَجَ صِدْقٍ وَ اجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا.

پس داخل مسجد رود و پهلوی منبر دو رکعت نماز بگزارد... چه این، محل توقف پیامبر ﷺ بود... و روی به دیوار مشهد آرد... و چون روبه‌روی مرقد ایستاد، بگوید: السلام عليك يا رسول الله السلام عليك يا نبي الله السلام عليك يا أمين الله السلام عليك يا حبيب الله السلام عليك يا صفوة الله السلام عليك يا خيرة الله السلام عليك يا أحمد السلام عليك يا محمد السلام عليك يا ابا القاسم السلام عليك يا ماحي السلام عليك يا عاقب... و اگر وی را به رسانیدن سلام سفارش کرده باشند، بگوید: السلام عليك من فلان، السلام عليك من فلان... پس باز گردد و نزدیک سر پیامبر ﷺ بایستد، میان مرقد مقدس و اسطوانه‌ای که در این ایام است و روی به قبله آرد و تحمید و تمجید باری تعالی بگوید و بر پیامبر ﷺ درود بسیار دهد، پس بگوید: اللَّهُمَّ أَنْتَ قُلْتَ: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ

الرَّسُولُ لَوْ جَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَجِيمًا ﴿۶۴﴾ (نساء: ۶۴)

بار پروردگارا! تو فرمودی: اگر آنها هنگامی که به خود ستم می کردند، به سراغ تو می آمدند و استغفار می کردند و پیامبر نیز برای آنها از خدا طلب آمرزش می کرد، خدا را توبه پذیر (بخشنده) و مهربان می یافتند.

بار پروردگارا! ما گفته‌ات را شنیدیم و فرمانت را اطاعت کردیم و قصد زیارت پیامبرت نمودیم تا او را شفیع قرار دهیم در گناهان خود و آنچه بر دوش می کشیم، درحالی که از لغزش‌ها توبه کار و به اشتباهات و تقصیر خود اعتراف داریم. پس توبه ما را بپذیر و شفاعت پیامبرت را در حق ما بپذیرا باش و به جهت منزلت و حقی که او در نزدت دارد، منزلت ما را در نزدت بالا ببر.

پس به روضه آید و در آن نماز گزارد و چندان که می تواند دعا گوید. چه پیامبر ﷺ گفته است: مَا بَيْنَ قَبْرِي وَمِنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَمِنْبَرِي عَلَى حَوْضِي. و نزدیک منبر دعا گوید و مستحب است که دست بر «رمانه» نهد که پیامبر در خطبه دست بر آن می نهاد.^۱

«قاضی عیاض» هم می گوید: «زیارت قبر پیامبر ﷺ سنت است و مسلمانان بر آن اجماع دارند».^۲

ابن عابدین از فقهای حنفی نیز نه تنها زیارت قبر رسول خدا ﷺ را برای مردان مستحب می داند؛ بلکه در برابر این پرسش که آیا زیارت قبر رسول خدا ﷺ برای زن‌ها استحباب دارد؟ می گوید:

آری، هیچ کراهتی هم ندارد، البته براساس ضوابط و شرایطی که بعضی از علما بدان اشاره نموده‌اند، قول برتر در مذهب ما و کرخی و دیگران این است که جواز

۱. احیاء العلوم، ابوحامد محمد غزالی، ج ۳، ص ۴۷۳.

۲. الشفا بتعريف حقوق المصطفى، قاضی عیاض، ج ۲، ص ۸۳.

زیارت قبور برای مردان و زنان ثابت است و هیچ اشکالی در آن نیست، ولی بنا بر غیر مذهب و مبنای ما باز هم قائل به استحباب هستیم، چون اصحاب به طور مطلق به استحباب فتوا داده و ویژه مردها ندانسته‌اند، بلکه بعضی قائل به وجوب آن شده‌اند.^۱

از آنچه گذشت، در می‌بایم که زیارت قبور، نه تنها بدعت و خلاف اجماع مسلمانان نیست، بلکه از سنت و سیره پیامبر اکرم ﷺ اصحاب و تابعین است و علمای اسلام بر آن اجماع دارند.

با توجه به روایات و سیره رسول خدا ﷺ، اهل بیت علیهم السلام، صحابه، تابعین و حتی سیره ائمه مذاهب اهل سنت، زیارت قبور، به ویژه قبر پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، نه تنها جایز، بلکه مستحب است؛ حال چگونه امکان دارد که کسی به زیارت قبر آن حضرت برود، اما بار سفر نبندد و چگونه بار سفر بستن برای زیارت جایز نیست؟ این مطلب آن چنان واضح و مبرهن است که حتی فقهای حنبلی نیز به صراحت به آن اعتراف نموده‌اند. بهوتی حنبلی در «کشاف القناع» پس از ذکر دو روایت در استحباب زیارت قبر نبوی می‌گوید: «ابن نصرالله» می‌گوید: لازم است استحباب زیارت قبر او ﷺ استحباب بار سفر بستن است؛ زیارت او برای کسی که به حج رفته است بدون بار سفر بستن ممکن نیست و این همانند تصریح بر استحباب «شد الرحال» به قصد زیارت است.^۲

۱. حاشیه رد المختار، ج ۲، ص ۶۸۹.

۲. قال ابن نصر الله: لازم استحباب زیارة قبره ﷺ استحباب شد الرحال إليها، لأن زیارة للحاج بعد حجه لا تمكن بدون شد الرحل، فهذا كالصريح باستحباب شد الرحل لزیارة ﷺ. کشاف القناع، ج ۲، ص ۵۹۸.